

ملاحظات در مصاحبه های اعلیحضرت

در لندن

(قسمت آخر)

امیرفیض - حقوقدان

در قسمت دوم این تحریر، نقدِ ردیف هفتم، بشارتها ناتمام ماند اکنون به اتفاق به ادامه آن وردیف های بعدی خواهیم رفت.

بخشی از سوال ردایف ۷ این بود که:

در ایام اخیر فعالیت گروه های سیاسی بیشتر شده است آیا کشورهای غربی این گروه ها را جدی میگیرند؟

پاسخ اعلیحضرت چنین بود: «اگر قرار باشد جدی بگیرند بمناسبت برنامه ای است که آن گروه ها ارائه میدهند»

گرچه برای ما ایرانیان اظهار نظر مزبور کاملا تازگی دارد ولی فکر مزبور از دولت آمریکا است.

دولت آمریکا در راستای خواست اپوزیسیون خارج از کشور بنوشته جراند آن کشور بودجه ای برای مخالفان جمهوری اسلامی منظور داشته که بروایتی ۳۰ و یا ۵۰ میلیون دلار میباشد روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت «مقامات واشنگتن قصد دارند که این کمک رابه کسانی بدهند که بهترین راه و روش را برای براندازی جمهوری اسلامی ارائه میدهند» <

مشروح درسنگر فروردین ۸۴

تبادر ذهنی از پاسخ اعلیحضرت، علی القاعده ممکن است نظرایشان را معطوف به برنامه هائی سازد که در راستای رعایت حقوق بشر و آزادی و دموکراسی جامع و مفید و با هزینه کم باشد ولی سیاست جهانی کشورها و سوابق عینی نشان میدهد که برنامه ای مورد حمایت کشورهای خارجی قرار میگیرد که با هزینه کمتر منافع و مطامع کشور کم کننده را تامین کند.

اقتضای عقل، حکمش همان است که عرض شد و خلاف آن خوش بینی و غفلت از رویدادها و تجربه هاست.

اکنون، خوش بینی اعلیحضرت یعنی جدی گرفتن گروه های سیاسی در رابطه با برنامه هائی که آن گروه ها ارائه میدهند بصورت یک معادله مورد بحث قرار میگیرد و از آنجا که پشتوانه نظریه اعلیحضرت سابقه سیاسی دارد (بشرح نوشته روزنامه لوس آنجلس تایمز) لذا بحث مزبور از مدارج اعتباری بیشتری برخوردار میگردد.

در مصاحبه مزبور، اعلیحضرت طرح نافرمانی مدنی رابه عنوان بهترین و مجرب ترین راه حصول مقصود معرفی و بعد در عبارت زیر تاکید خودشان را بر کاربرد طرح مزبور چنین بیان میفرمایند.

«اگر سیاست غرب از این پس این باشد که فراتر از تحریم ها بطور جدی و رسماً (۱) وارد مذاکره و ارتباط بانبروهای ایوژیسیون ایران در داخل و خارج که آزادخواه هستند بشوند (۲) من باور دارم، اگر درست عمل شود (۳) درست برنامه ریزی بشود، تقویت و پشتیبانی کافی باشد (۴)، با ترکیبی از تحریم های اقتصادی (۵) و حمایت مستقیم از نیروها و بخش های مختلف جامعه (۶)

آنوقت میتوانیم انتظار داشته باشیم که مردم ایران حاضر باشند و تن بدهند به هزینه هائی که این کار خواهد داشت (۷) اگر بدانند که نهایتاً موفق خواهند شد به کنار گذاشتن این رژیم (۸)»

برای نتیجه گیری و رسیدن به پاسخ معادله فرض میکنیم که اعلیحضرت واجد قدرت حمایتی آمریکا و اسرائیل (جامعه جهانی) باشند و حقیقتاً هم مایل باشند که جمهوری اسلامی از قدرت ساقط شود، بنده نوعی ویا سازمانی اسمی، چنین طرحی را خدمت اعلیحضرت صاحب قدرت، حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی، تنظیم و در هر فرصتی

هم آمریکا را رسوا و کهنه حیض میکنیم که با بنده نوعی مذاکره و حمایت نمیکند، در این حالت حقیقتاً دید گاه اعلیحضرت نسبت به این طرح چیست؟ آیا آنرا طرح تلقی میکنند؟ اعلیحضرت بنده، طراح این طرح، دعوت به مذاکره ولایق دریافت کمک خواهند شناخت و یا به این، به اصطلاح طرح، میخندند؟ مسلماً آنها به ما میخندند ولی ما صدای خنده آنها را نمیشنویم.

در طرح اعلیحضرت خاصه ردیف های شماره گذاری دقت فرمائید تا ارزیابی طرح و عقلانی بودن! آن ظهوری روشن داشته باشد.

حد توقع در طرح بیسابقه است، مذاکره بصورت رسمی، یعنی مذاکره ای قانونی، مثل مذاکره مقامات دو کشور در چهار چوب حقوق بین الملل، در حالیکه شخص اعلیحضرت بارها به این حقیقت که اپوزیسیون متشکل نیست و فاقد نظم سازمانی است اشاره کرده اند، در آنصورت، چگونه طرحی در این حد توقع تنظیم شده است؟! - ضابطه درست عمل کردن و درست برنامه ریزی شدن، کجاست؟ در طرح، درست عمل کردن و درست برنامه ریزی کردن به عهده آمریکا محول شده است - تقویت و پشتیبانی کافی یعنی چه؟ و حدش در کجاست؟ و آیا اینها میتواند برای مبارزه ایجاد مشروعیت کند؟ - توقع حمایت بیگانه آنها مستقیم از بخشها و سازمان ها که به معنای وجود رابطه بین نیروهای مخالف جمهوری اسلامی که نامحدود است با آمریکا، واقعا، از آن توقعات عجیب است که از رهبریک مبارزه تا کنون شنیده نشده است.

در طرح اعلیحضرت دوبار به لزوم تحریم ها تصریح شده است.

تازه بعد از همه این شرط و شروط ها گفته شده: >اگر ایرانیها بدانند که موفق میشوند تن به مبارزه و قبول مصائب آن خواهند داد<

از آنجا که هیچکس در هیچ مبارزه ای نمیتواند به موفقیت خود اطمینان داشته باشد لذا کل و جزء طرح یک طنز بی سابقه سیاسی میشود و شاید این بیت شاهد مقصود باشد.

بگیرو به بندو بنه نزدمن که من مرد حرفم نه یک تیرزن

اعلیحضرت در سال ۱۳۸۳ در مصاحبه با هیئت تحریریه پولیتیک انترتاسیونال فرمودند:

>من کوچکترین تردیدی ندارم که مردم ایران با قاطعیت تمام به ملایان پشت خواهند کرد و سرنوشت خودشان را بدست خواهند گرفت< و پشتوانه قاطعیت باور خودشان راهم ۷۰ میلیون پیامی که روی سایت ایشان ظرف ۴ سال گذشته آمده اعلام فرمودند.

ملتی که بنا بر اطمینان راسخ اعلیحضرت، با قاطعیت تمام به ملایان پشت خواهد کرد، دیگر چه لزومی دارد که آن توقعات نامربوط از بیگانه بنام ملت ایران به ثبت برسد؟ و قیام ملت ایران با آن شرط و شروط، آنها با احتمال معرفی گردد!

و بعد در همان مصاحبه این تکلیف هم برای کشورهای غربی مقرر شده که:

>ضرورت دارد که کشورهای غربی آگاهانه عدم رضایت عمومی نسبت به ملایان حکومتی را در نظر گرفته و خودشان نتیجه گیری های لازم را بنمایند<

آیا ذکاوت، بصیرت و احساس میهن پرستی و ملت دوستی است که انسان ریش یک ملت دربند را به قیچی بیگانه که دقیقاً ماهیت خودش را در عراق و افغانستان و سوریه نشان داده و میدهد بسپارد؟ معنای حاکمیت ملت همین است؟ که برای تحقق آن مبارزه میشود؟

درست است که در همین مصاحبه لندن، شرط فرموده اند که ازدول خارجی و یادستگاه های امنیتی کشورها کمکی دریافت نکنند ولی اینکه حد دخالت بیگانه رابه آنجا بکشانیم که نتیجه گیری و تصمیمات پی آمد آنرا در تشخیص غرب قرار بدهیم هزاران بار بدتر و سنگین تر از دریافت پول و کمک از بیگانه است.

ملاحظه کردید که در طرح اعلیحضرت، دو بار تاکید بر تحریم ها بکاررفته است و حتی در مصاحبه ای که در همین روز ۲۲ ژانویه با آقای عنایت فانی (بی بی سی) ترتیب داده شده بود، صریحا تحریم ها را تائید کرده اند، معهذاً در مصاحبه ای که در باشگاه مطبوعات پاریس در سال ۱۳۸۲ انجام یافت، خبرگزاری رویتر اعلام کرد که رضا پهلوی با تحریم اقتصادی ایران از طرف آمریکا مخالف است و تمایل دارند که آمریکا با دولت ایران رابطه برقرار کند (مشروح مصاحبه در سنگر شهریورماه ۱۳۸۲)

یک شخصیت سیاسی خارجی و یا ایرانی وقتی باین نظرات و طرحهای متضاد و درهم و برهم روبرو میشود میماند که این مخالفین جمهوری اسلامی چه میگویند، بی خود نیست که یک شخصیت آمریکایی گفته است ایرانیان خارج میدانند که چه میخواهند.

بهانه تماس با خارجیان

بهانه عدم تماس با خارجیان، دور از واقعیت است، در مصاحبه ها حتی همین گفتگوی با آقای فانی اعلیحضرت به کرات مذاکرات خودشان را با شخصیت های خارجی اعلام فرموده اند، آنهم در حدی که نمایش از یک امتیاز استثنائی بود. این مذاکرات همان تماسهای سیاسی است، که اعلیحضرت غرب را بدهکار و خودشان را بستانکار میدانند، مگر اینکه اعلیحضرت از تماس با خارجیان تفسیر و معنای خاصی را داشته باشند.

۸- چرا؟ او با ما وارد عمل نشد

پرسش کننده به اظهارات سابق اعلیحضرت که از او با ما گله فرموده بودند رجوع و خواستار توضیح میگردد.

اعلیحضرت در بیان موضوع و تائید گله های سابق از او با ما میفرمایند > او فرصتی را از دست داد وقتی ایرانیان گفتند او با ما، با ما و یا با آنها ایشان باید وارد عمل میشد<.

تشبیه مورد چنین است: در سالهای ۱۳۲۴ که حزب توده خواستار دادن نفت شمال به روسها بود و شعار توده ای این بود که >نفت شمال را باید به روسها داد< گفته میشد روسها باید وارد عمل میشدند.

وارد عمل شدن آمریکا بنظر اعلیحضرت یعنی چه؟ و با کدام ضابطه حقوقی و یا مبین پرستی قابل تطبیق است و نمونه این چنین توقع نامساعدی را میتوان ارانه داد که مقبول مردم قرار گرفته باشد؟

او با ما و نتانیاهو، آنچنان از جنبش سبز حمایت کردند که همان هائی که شعار او با ما یا با او را براه انداختند را سربازان خودشان خطاب کردند، و خود را موظف به حمایت از آنان دانستند و تاکنون هم این حمایت مادی و غیره ادامه دارد، تصور نمیکنم جز حمله نظامی در واکنش به شعار او با ما قصوری! از ناحیه آمریکا شده باشد.

۹- ماهیت شورای ملی چیست

آخرین سوالی در مصاحبه که این تحریر را بخود مشغول ساخته این بوده که سوال کننده دوبار از ماهیت شورای ملی سوال کرده و اعلیحضرت، صرفه را در بیراه رفتن و بی پاسخ گذاردن دانسته اند.

بحث در این مورد بهتر است به یک سوال متقابل و تشبیه آشنا سپرده شود.

«آیا میتوان به کسی که متولد نشده وجود ندارد، عنوان شخصیت داد و او را به رهبری کار و یا فعالیت سیاسی شناخت؟ آیا میتوان کسی که متولد نشده و حیات ندارد را مسئول کارهای اجرایی دانست؟ آیا میشود کسی که متولد نشده و حیات ندارد، طرف مذاکره و تصمیمات قرار گیرد؟»

اگر جواب این پرسشها منفی است که مسلما هست، شخصیت های حقوقی مادام که به ثبت نرسند و مسئول و یا مسئولین آن سازمان ها بنحو روشن در مطبوعات برای آگاهی عموم (به معنای آگهی تولد) اعلان نگردد ان شخصیت متولد نشده و موهوم و فرضی است و نمیتواند متأثر از آثار و مسئولیت گردد و دقیقا در حکم مولود متولد نشده است.

وکسانی که از این عناوین موهوم استفاده کنند همان کسانی هستند که یک آدمی ناموجود را موجود معرفی و به اعتبار آن موجود موهوم کلاهبرداری میکنند.

(پایان)